

تأثیر توسعه انسانی در گذار دموکراتیک در مصر

علی اردستانی^۱

استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان

حسین تبریزیان

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد نظری دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان

(تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۱۷ - تاریخ تصویب: ۹۳/۹/۲)

چکیده

شاید بتوان مهم‌ترین تحول منطقه خاورمیانه در دو دهه اخیر را در مجموعه تحولات موسوم به «بهار عربی» جست‌وجو کرد. بدون تردید، این تحولات، چه در سطح نظری و چه در سطح عملی، موجب تغییرات زیادی در حوزه مطالعات خاورمیانه شده است. این کشورها که یا همانند دولت‌های خلیج فارس ماهیتی سنتی، یا همچون مصر ماهیتی بوروکراتیک-نظامی دارند، به شدت تحت تأثیر این جنبش مردمی قرار گرفته‌اند. با این حال، امروز به‌طور تقریبی بعد از سرکوبی این جنبش‌ها، به‌ویژه در مصر، چشم‌انداز مناسبی برای گذار دموکراتیک دست‌کم در کوتاه‌مدت - وجود ندارد و باید منتظر تحولات آینده شد. سؤال این است که چرا با وجود حمایت‌های همه‌جانبه جهانی و بین‌المللی از فرایند دموکراتیک کردن این کشورها، هیچ‌گاه نتوانسته‌اند گذار موفقیت‌آمیزی به دموکراسی و ثبات سیاسی داشته باشند؟ یا چرا پتانسیل خشونت و اقتدارگرایی در آن‌ها تا این حد بالاست؟ در این مقاله می‌کوشیم با تمرکز بر نظریه آمارتیا سن (توسعه به‌مثابه آزادی) به بررسی این موضوع پردازیم که چرا این کشورها، به‌رغم برخورداری از رشد اقتصادی مناسب، به واسطه پیشرفت نداشتن در شاخص‌های توسعه انسانی با این موضوع دست به گریبان هستند.

واژگان کلیدی

اقتدارگرایی، توسعه انسانی، رشد اقتصادی، گذار دموکراتیک

مقدمه

امروزه بعد از تحولات دو سال اخیر در شمال آفریقا، بار دیگر این سؤال اساسی مطرح می‌شود که با وجود تمام تحولات صورت گرفته در جهان، چرا در کشورهای جهان سوم امکان گذار دموکراتیک موفق وجود ندارد و هرگونه تحول یا گذاری هزینه‌های بالایی در پی دارد؟ اگرچه از دیرباز متفکران شاغل در حوزه توسعه به این مسئله مهم توجه داشته‌اند، بعد از گذشت حدود شش دهه از طرح نظریات توسعه و توسعه‌نیافتگی و ارائه راهکارهای متفاوت برای رشد و توسعه، تاکنون به توضیح مناسبی برای این پرسش دست نیافته‌اند.

بر اساس دیدگاه کلاسیک توسعه، افزایش جمعیت، افزایش قلمرو و دامنه بازار، تقسیم کار، انباشت سرمایه، پیشرفت فنی و افزایش بهره‌وری و تجارت آزاد همراه با دولتی که شرایط مناسب را برای فعالیت‌های بخش خصوصی فراهم کند و حداقل دخالت را در امور اقتصادی داشته باشد، از عوامل اساسی رشد و توسعه محسوب می‌شوند. اقتصاددانان کلاسیک چگونگی ارتباط این عوامل با یکدیگر و تأثیری را که در رشد و توسعه می‌گذارند در چارچوب تحلیلی کلان نشان می‌دادند که این چارچوب تحلیلی بعدها به نام «کینز» در تاریخ اندیشه‌های اقتصادی ثبت شد. در نظریات اقتصاددانان کلاسیک، «انسان» فقط به‌عنوان یکی از نهادهای تولید در چرخه تولید کالاها و خدمات مورد توجه بوده و در عوض «انباشت سرمایه» عاملی اساسی در رشد و توسعه اقتصادی به شمار می‌رفته است، حتی در الگوهای رشد اقتصادی دهه پنجاه، رشد اقتصادی فقط به میزان سرمایه و نیروی کار ربط داده شده و متغیرهای غیراقتصادی مانند کیفیت سرمایه انسانی و سلامت نیروی کار در آن‌ها نادیده گرفته شده است (مابر، ۱۳۷۵).

تسلط این دیدگاه بر مجامع علمی باعث شد تا کشورهای جهان سوم که بیشتر در آفریقا و آسیا قرار داشتند، در پرتو این نظریه به سوی توسعه و صنعتی شدن گام بردارند. در واقع، بعد از جنگ جهانی بیشتر کشورهای جهان سوم به امر توسعه اشتغال داشته‌اند؛ حتی مصر نیز از این قاعده مستثنا نبوده است و رهبران آن به شدت درگیر نوسازی و پیشرفت صنعتی خود بوده‌اند. نگاهی اجمالی به برنامه‌های توسعه اقتصادی در مصر طی شصت سال اخیر به خوبی این موضوع را تأیید می‌کند.

آغاز این برنامه‌ها به انقلاب ۱۹۵۲ برمی‌گردد. در این دوره، به‌ویژه در دوره جمال عبدالناصر، در بیشتر حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برنامه‌هایی تدوین شد. با این حال، در این دوره، شاهد دولت‌گرایی شدیدی هستیم و بیشتر این حوزه‌ها تحت سلطه دولت قرار می‌گیرند. به‌طور خلاصه، ناصر مصر را به سمت سوسیالیسم و بلوک شوروی برد تا کشورش توسعه نظامی و مدنی به دست آورد، اما از زمان انورسادات خصوصی‌سازی و کاهش تصدی‌گری دولت به همراه گشایش فضای سیاسی آغاز و نظام چندحزبی بار دیگر برقرار شد.

این روند در زمان مبارک نیز ادامه پیدا کرد، هرچند از شتاب و گستردگی آن کاسته شد. به‌طورکلی، مصر در این زمینه با مقاومت بخشی از هیئت حاکمه با کاهش دولت‌گرایی مواجه بوده است. جامعه گروه‌محور مصر به‌آسانی خود را با تغییر تطبیق نمی‌دهد. تلاش‌های حکومت برای کنترل رشد جمعیت اغلب به‌عنوان اقداماتی مداخله‌آمیز رد می‌شود زیرا به اعتقاد آن‌ها به اقتصاد خانواده آسیب می‌رساند و بر خلاف اراده خداوند است. طرفداران کنترل رشد جمعیت گاهی با این استدلال روبرو می‌شوند که بهبود وضعیت اقتصادی از مسئولیت‌های خانواده‌ها نیست، بلکه حکومت مسئول بهبود اوضاع از راه ایجاد شغل بیشتر است. با آغاز ریاست جمهوری سادات در سال ۱۹۷۰، وی تدابیری را برای برگرداندن سیاست‌های سوسیالیسم و معرفی انفتاح یا درهای باز برای ادغام‌شدن در اقتصاد بین‌الملل پدید آورد (Harris, 1998).

با وجود تمام تلاش‌هایی که در مصر طی پنجاه سال اخیر در حوزه توسعه اقتصادی صورت گرفته و این کشور توانسته است به یکی از کشورهای مهم آفریقا تبدیل شود، اما هنوز نتوانسته است به توسعه سیاسی مطلوبی دست یابد و حوادث یک سال اخیر در این کشور نیز به‌خوبی این مسئله را نشان می‌دهد. سؤال این است که چرا مصر به‌رغم پیشرفت اقتصادی قابل توجه در این زمینه نتوانسته است به توسعه اقتصادی - سیاسی مناسبی نیز دست یابد؟

به نظر می‌رسد پاسخ را باید در نوع نگرش دولتمردان و تصمیم‌گیران این کشور نسبت به مقوله توسعه یافت. در اینجا برنامه‌های توسعه اغلب جنبه دستوری و از دست بالا به دست پایین داشته است. این توسعه اغلب به دولت‌گرایی شدید منجر می‌شود و در نهایت دولت ماهیتی اقتدارگرا - بوروکراتیک پیدا می‌کند. این در حالی است که امروزه شاخص توسعه انسانی و ضریب رشد آن سهم بسزایی در آماده‌سازی کشورها برای حضور در عرصه اقتصاد جهان دارد. به همین دلیل، امروزه بسیاری از کشورهای جهان، به این درک رسیده‌اند که باید نقش مردم را در مناسبات اقتصادی افزایش دهند و آن‌ها را به طور مستقیم درگیر توسعه کشور کنند. این دیدگاه به طور مشخص در نظریه آمارتیا سن مطرح می‌شود که توسعه را فرایند بسط آزادی‌ها در نظر می‌گیرد (سن، ۱۳۸۱ و ۱۳۷۹).

بر اساس نظریه توسعه به‌مثابه آزادی، توسعه را می‌توان فرایند بسط آزادی‌های واقعی در نظر گرفت که مردم از آن‌ها برخوردارند. توسعه مستلزم حذف موانع اصلی آزادی‌هاست که عبارتند از: فقر و ظلم، فرصت‌ها و محرومیت‌های ناچیز اقتصادی، محرومیت نظام‌مند اجتماعی، کمبود عدالت اقتصادی و اجتماعی، غفلت از تسهیلات عمومی، ناسازگاری و افراط حکومت‌های سرکوب‌گر و....

تأکید بر آزادی‌های انسانی معیار شناخت توسعه در تعارض با دیدگاه‌های محدودتر توسعه همچون شناسایی توسعه با رشد تولید ناخالص ملی یا افزایش درآمدهای شخصی یا با صنعتی کردن قرار می‌گیرد. آزادی‌ها نه تنها هدف‌های اولیه توسعه، بلکه جزء ابزار اصلی توسعه نیز هستند. آزادی‌های سیاسی به صورت آزادی بیان و انتخابات به ترویج امنیت اقتصادی کمک می‌کنند. فرصت‌های اجتماعی به صورت تسهیلات آموزشی و بهداشتی مشارکت اقتصادی را تسهیل می‌کنند. تسهیلات اقتصادی به صورت فرصت‌های مشارکت در تجارت و تولید می‌تواند به گسترش امکانات شخصی و نیز تولید منابع عمومی برای تسهیلات اجتماعی یاری رساند. انواع مختلف آزادی‌ها می‌توانند یکدیگر را تقویت کنند. توجه نکردن به این موارد موجب شده است تا نه شاخص‌های اقتصادی مورد نظر برای رشد و توسعه اقتصادی محقق شود و نه کشور به توسعه سیاسی مناسبی دست یابد. بررسی شاخص‌های فقر چندبعدی (MPI) و توسعه انسانی (HDI) در این کشور طی سال‌های اخیر به‌خوبی این موضوع را نشان می‌دهد. در ادامه، ابتدا شاخص فقر چندبعدی و شاخص‌های اقتصادی مربوط به آن نظیر شاخص تورم و غیر از آن و سپس شاخص‌های توسعه انسانی و تأثیر آن‌ها در اقتصاد سیاسی مصر در پرتو نظریه آمارتیا سن بررسی می‌شود.

شاخص فقر چندبعدی (MPI)

در دهه‌های اخیر، کاهش فقر یکی از مباحث مهم در متون توسعه بوده است. بعضی از محققان اقتصاد، مانند امونو و همکاران (۱۹۹۹)، معتقدند که مبارزه با فقر شرط لازم برای رشد است (خالدی و پرمه، ۱۳۸۴؛ عرب مازار و حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳). در چنین وضعیتی و به‌منظور جلوگیری از گسترش فقر، نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای اقدامات نمادین و عملی را در پیش گرفتند. برای مثال، سازمان ملل سال‌های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۶ را دهه ریشه‌کنی فقر نام نهاد. در سال ۱۹۹۷، اعضای اسکاپ تعهد کردند که اقدامات لازم برای ریشه‌کنی فقر تا سال ۲۰۱۰ صورت گیرد. بر این اساس، شناخت فقر و ویژگی‌های آن در تصمیم‌گیری تأثیر بسیاری خواهد داشت. همه به‌نجاری بودن مقوله فقر تأکید دارند و معتقدند فقط با تعاریف ازپیش‌تعیین شده می‌توان فقیر را از غیر فقیر جدا کرد. می‌توان گفت فقر پدیده‌ای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که از فقدان یا ناتوانی در تأمین حداقل نیازهای انسانی ناشی می‌شود و فقیر کسی است که امکان و توانایی کافی برای تأمین ضروریات و نیازهای زندگی را نداشته باشد. اورشانسکی (۱۹۶۹) معتقد است: «تشخیص فقر، همانند زیبایی بستگی به نگاه بیننده دارد» (سن، ۱۹۷۹). گزارش توسعه جهانی بانک جهانی (مبارزه با فقر، ۲۰۰۱-۲۰۰۲)، مشاهده می‌شود که فقر چیزی فراتر از ناکافی بودن درآمد یا توسعه انسانی پایین است. کریستین اد (۲۰۰۴) در

گزارشی آسیا، آفریقا و امریکای لاتین را راه موجود و امکان‌پذیر به سوی پیشرفت معرفی کرده است و استدلال می‌کند که مداخله هدفمند و برنامه‌دار دولت می‌تواند نقش مثبتی در کمک به جوامع در حال پیشرفت همراه از بین بردن فقر داشته باشد.

جدول ۱. MPI در مصر برای سال ۲۰۱۱ نسبت به کشورهای منتخب

کشور	ارزش MPI	سرشماری %	شدهت محرومیت %	شدت محرومیت %	جمعیت در معرض خطر فقر %	جمعیت در فقر شدید %	جمعیت زیر خط فقر %
مصر	۰/۰۲۴	۶/۰	۴۰/۷	۷/۲	۱/۰	۲/۰	
مراکش	۰/۰۴۸	۱۰/۶	۴۵/۳	۱۲/۳	۳/۳	۲/۵	
سوریه	۰/۰۲۱	۵/۵	۳۷/۵	۷/۱	۰/۵	۱/۷	

www.undp.org

شاخص فقر چندبعدی (MPI)

برآوردها حاکی از آن است که ارزش MPI در مصر فاصله زیادی با مراکش داشته و فقط اندکی از سوریه بالاتر است. همچنین بر اساس سرشماری‌های سال ۲۰۱۱، می‌توان مشاهده کرد که MPI در این مقایسه با مصر و سوریه فاصله قابل تأملی دارد. همچنین، آمارها تأیید می‌کنند که میزان محرومیت در مصر بالاست. در قسمت جمعیت در معرض خط فقر نیز مصر و سوریه با فاصله بسیار اندکی نسبت به هم قرار دارند و با مراکش اختلاف زیادی دارند. باید توجه داشت که یکی از بخش‌های بسیار بااهمیت در شاخص MPI جمعیت در فقر شدید است. در این نوع از فقر افراد حتی توانایی تأمین کمترین ضروریات خود را نیز ندارند. آمارهای به‌دست‌آمده در این بخش مؤید آن است که ۱ درصد از جمعیت مصر در فقر شدید قرار دارند که برابر با ۸۱۷۱۳۵ نفر از جمعیت ۸۱۷۱۳۵۱۷ نفری این کشور است که وضعیتی بسیار نگران‌کننده است. به‌هرحال، نتایج به‌دست‌آمده از این جدول حاکی از آن است که مصر در شاخص فقر چندبعدی (MPI) در میان کشورهای منتخب در تمام بخش‌ها جایگاه دوم را دارد به‌طوری‌که در تمام بخش‌های این شاخص از سوریه بالاتر بوده و با فاصله زیادی از مراکش در جایگاه دوم قرار گرفته است.

در همین راستا، باید به شاخص‌های مهم اقتصادی دیگر نظیر بیکاری، تورم، تولید ناخالص ملی (GDP) و قدرت خرید نیز اشاره کرد.

نرخ بیکاری

بیکاری نیروی کار مصر حدود ۲۶ میلیون نفر است که در جایگاه بیست‌ویکم جهان قرار دارد.

نرخ رسمی بیکاری در مصر طی سال گذشته میلادی کمتر از ۱۰ درصد گزارش شد که این نرخ نسبت به سال قبل از آن یعنی سال ۲۰۰۹ افزایش نشان می‌دهد. بر اساس آخرین مطالعات صورت گرفته در تاریخ ۲۰۱۳/۶/۳۰، نرخ بیکاری در مصر ۱۳/۳ درصد بوده است که به نسبت دوره قبل (سه ماه گذشته) که ۱۳/۲ درصد بوده است اندکی افزایش نشان می‌دهد. با این حال، متوسط نرخ بیکاری در این کشور ۱۰/۳۳ درصد است.



نمودار ۱. نرخ بیکاری مصر طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳

با توجه به نمودار و اندکی تأمل در آمارهای به دست آمده و نگاهی به شرایط و تحولات کنونی مصر، می‌توان پیش‌بینی کرد که نرخ بیکاری در مصر به سیر صعودی خود ادامه می‌دهد و روزبه‌روز بر تعداد بیکاران افزوده می‌شود.

شاخص تورم

به‌طور کلی، اقتصاددانان از نظر هدف‌های سیاست کلان اقتصادی، بر مواردی همچون اشتغال کامل، ثبات قیمت‌ها (کنترل تورم)، توزیع عادلانه درآمد و رشد مداوم اقتصادی تأکید دارند. به دلیل آثار مخرب تورم، کنترل آن به‌عنوان یکی از هدف‌های سیاست کلان اقتصادی همیشه مورد توجه اقتصاددانان بوده است. از آثار مخرب تورم می‌توان به توزیع مجدد درآمد به نفع صاحبان دارایی و به زیان مزد و حقوق‌بگیران، افزایش نااطمینانی و بی‌ثباتی در اقتصاد کلان و

در نتیجه کوتاه‌تر شدن زمان برای تصمیم‌گیری و کاهش سرمایه‌گذاری بلندمدت و عوامل دیگر اشاره کرد.



<http://fa.tradingeconomics.com>

نمودار ۲. نرخ تورم مصر طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳

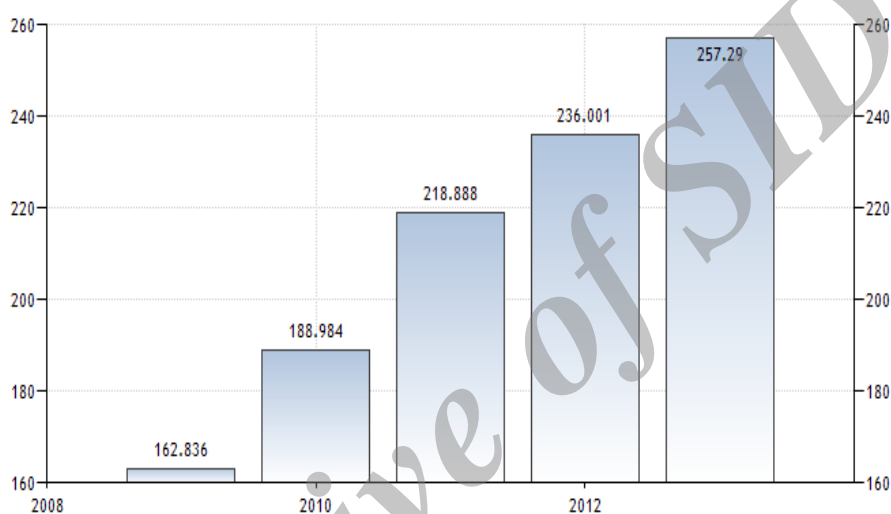
نرخ رسمی تورم در اقتصاد مصر برای سال ۲۰۱۰ میلادی حدود ۱۳ درصد بوده است که نسبت به سال ۲۰۰۹ حدود یک درصد افزایش نشان می‌دهد. بر اساس آخرین آمارهای به‌دست‌آمده در تاریخ ۲۰۱۳/۷/۱۰ نرخ تورم ۱۰/۲۸ درصد بوده است که به نسبت ماه قبل (۹/۷۵ درصد)، اندکی افزایش نشان می‌دهد. با این حال، اگر بخواهیم با توجه به شرایط کنونی مصر و با در نظر گرفتن روند نرخ تورم در گذشته این شاخص را پیش‌بینی کنیم می‌توان بیان داشت که تورم در مصر با همین نوسان نرم به پیش می‌رود.

شاخص تولید ناخالص داخلی (GDP)

تولید ناخالص داخلی مصر در سال ۲۰۰۹ حدود ۵۰۰ میلیارد دلار اعلام شده است. از لحاظ حجم تولید ناخالص داخلی، مصر در میان بیست‌وهفت کشور برتر جهان قرار دارد و از آنجایی که در مصر نظام دوبرخی ارز حاکم است، تولید ناخالص داخلی این کشور بر اساس نرخ رسمی ارز در سال ۲۰۰۹، معادل ۲۱۷ میلیارد دلار محاسبه شده است. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی مصر در سال ۲۰۰۹، حدود ۵ درصد و در سال ۲۰۱۰ نزدیک به ۴/۵ درصد بوده است.

در این پژوهش، نشان داده می‌شود که بر اساس آخرین آمارهای به‌دست‌آمده در تاریخ ۲۰۱۲/۱۲/۳۱، تولید ناخالص داخلی در مصر ۲۵۷.۲۹ میلیارد دلار است که به نسبت دوره قبل که عدد ۲۳۶.۰۰ را نشان می‌دهد، ۲۱.۲۹ میلیارد دلار کاهش داشته است. شایان توجه است که

متوسط تولید ناخالص داخلی در مصر ۵۴.۸۲ میلیارد دلار است. همچنین، آخرین آمارهای برآوردشده در تاریخ ۲۰۱۲/۳/۳۱، حاکی از آن است که مصر با نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به میزان ۲/۲۰ درصد در حال پیشروی است. اگرچه این شاخص نسبت به آمارهای دوره قبل تفاوتی نداشته است، اما متوسط نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در مصر ۳/۹۵ درصد را نشان می‌دهد.

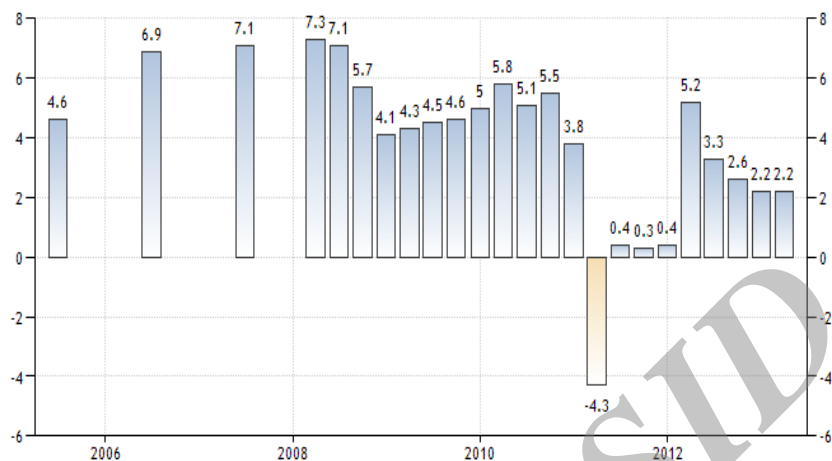


<http://fa.tradingeconomics.com>

نمودار ۳. تولید ناخالص داخلی مصر طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳

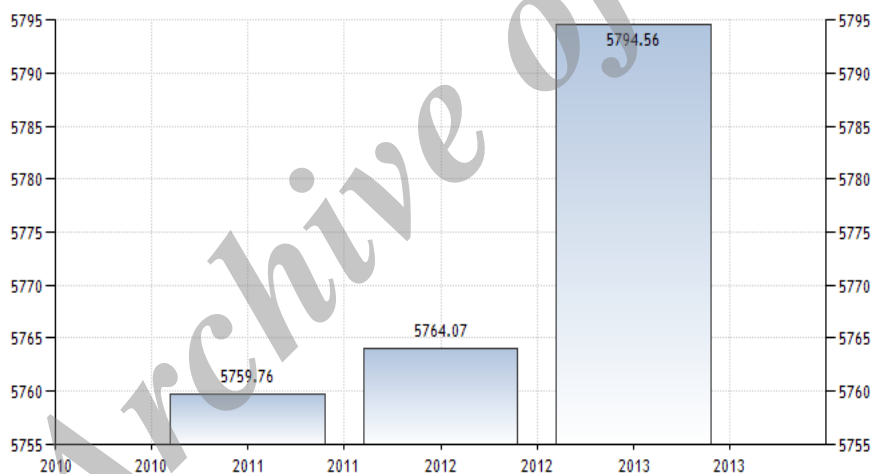
شاخص برابری قدرت خرید

بررسی‌های صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۱۰ حاکی از آن است که مصر نسبت به کشورهای همسایه خود وضعیت بهتری دارد، به طوری که با شاخص ۴۹۹.۲۶۴، در رتبه بیست‌وششم جهان جای گرفته است. با این حال، بر اساس آخرین بررسی‌های مورخ ۲۰۱۲/۱۲/۳۱ شاخص برابری قدرت خرید ۵۷۹۴.۵۶ دلار است که به نسبت سال قبل افزایش اندکی را نشان می‌دهد.



<http://fa.tradingeconomics.com>

نمودار ۴. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی مصر طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳



<http://fa.tradingeconomics.com>

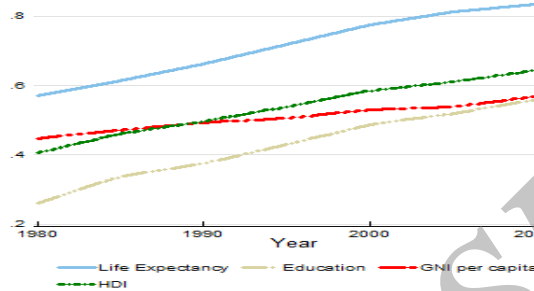
نمودار ۵. شاخص برابری قدرت مصر طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳

درآمد ناخالص ملی

درآمد ناخالص ملی از ارکان توسعه اقتصاد است. بر اساس آمارهای صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۱۰، مصر درآمد ناخالص ملی به میزان ۲۱۶.۸۳۰ میلیون دلار داشته است که سبب شده این کشور از این نظر جایگاه چهارم جهان را به خود اختصاص دهد.

شاخص‌های توسعه انسانی

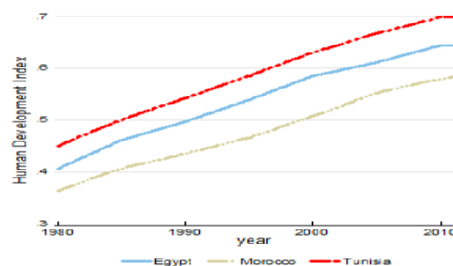
با نگاهی به جدول و نمودار زیر می‌توان دریافت که شاخص‌های HDI مصر روند رو به رشد قابل قبولی را طی این سال‌ها داشته است.



www.undp.org

نمودار ۶. روند شاخص‌های جزء HDI در مصر طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱

از جمله شاخص‌هایی که طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱ پیشرفت شگرفی داشته، شاخص امید به زندگی است که طی این دوره زمانی، هفده سال رشد را نشان می‌دهد. در شاخص سال مورد انتظار میزان تحصیلات در کشور مصر از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ روند رو به پیشرفت خوبی داشته است ولی از سال ۲۰۰۰ به بعد این شاخص با روند کاهشی روبرو شد به طوری که از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۱ هیچ‌گونه رشدی را در این شاخص شاهد نیستیم. شاخص سرانه درآمد ناخالص ملی مصر نیز طی این سال‌ها رشد متوسطی داشته است و شیب بسیار آرامی را تجربه می‌کند، به طوری که طی این دوره زمانی، فقط ۲.۹۸۱ رشد داشته است. از شاخص‌های شایان ذکر می‌توان به ارزش HDI اشاره کرد که طی این سال‌ها با رشدی به اندازه ۰.۲۳۸ و با شیبی ملایم روند تقریباً مناسبی را تجربه کرده است.



www.undp.org

نمودار ۷. روند HDI در مصر طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱

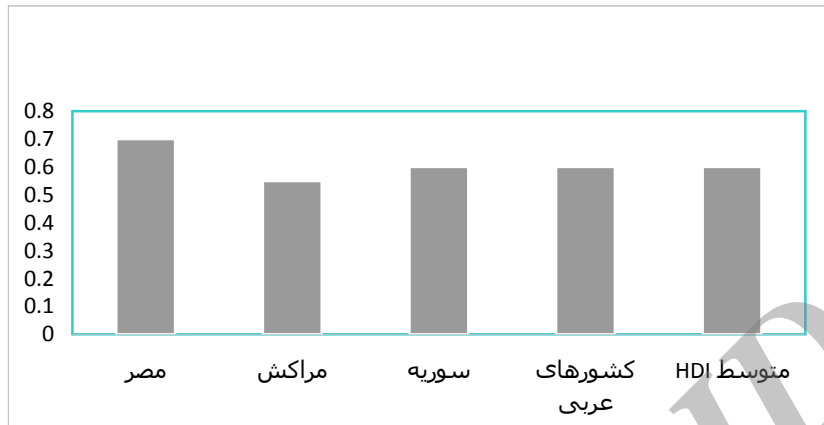
این نمودار به مقایسه مصر با تونس و مراکش پرداخته است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، منحنی هر سه کشور صعودی بوده و روند رو به رشدی داشته‌اند. اما در این میان، تونس با شیبی تند و تاحدودی یکنواخت به پیش می‌رود. پیشرفت مصر نیز از لحاظ ارزش HDI نسبت به کشورهای هم‌عرض جغرافیایی خود در بلندمدت مفید بوده است. مصر طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ روند رو به رشد خوبی داشته و در فاصله کوتاهی از تونس بوده است. اما از سال ۲۰۰۰ با افت اندکی در این شاخص سبب شد تا فاصله‌اش از تونس افزایش یابد. با اندکی دقت به منحنی مصر می‌توان دریافت که سال‌های ۱۹۸۵، ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ نقطه عطفی در این منحنی به شمار می‌رود. مراکش نیز اگرچه روند صعودی داشته است، در این مقایسه پایین‌ترین جایگاه را کسب کرده است و با فاصله متوسطی از مصر و تاحدودی زیاد از تونس به پیش می‌رود.

این موضوع را می‌توان در جدول زیر مشاهده کرد که در آن تلاش شده است از مقایسه مصر با سایر کشورهای منطقه شاخص‌هایی نشان داده شوند که در توسعه یک کشور نقش مهمی را ایفا می‌کنند.

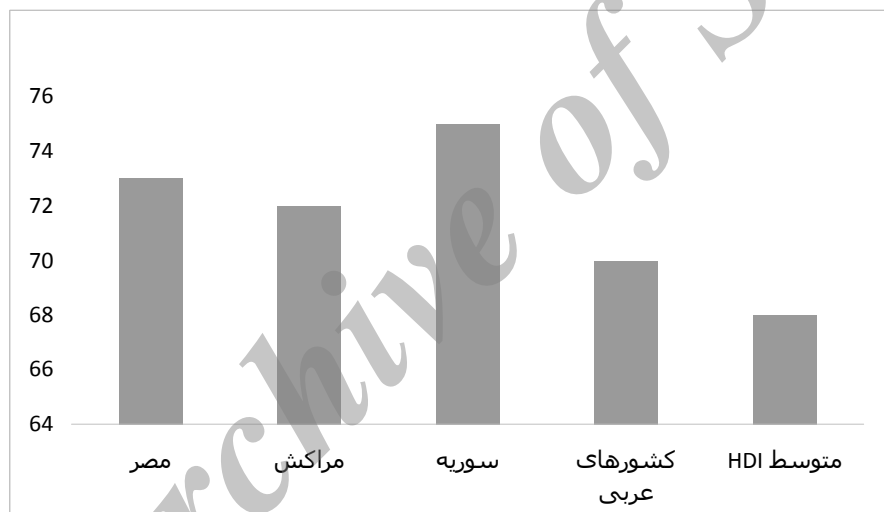
جدول ۲. شاخص HDI مصر برای سال ۲۰۱۱ نسبت به کشورهای انتخاب‌شده

کشور	ارزش HDI	رتبه HDI	امید به زندگی ر هنگام تولد	سال تحصیل مورد انتظار	سرانه درآمد ناخالص (PPP US\$)
مصر	۰/۶۴۴	۱۱۳	۷۳/۲	۱۱/۰	۵/۲۶۹
مراکش	۰/۵۸۲	۱۳۰	۷۲/۲	۱۰/۳	۴/۱۹۶
سوریه	۰/۶۳۲	۱۱۹	۷۵/۹	۱۱/۳	۲/۲۴۳
کشورهای عربی	۰/۶۴۱	-	۷۰/۵	۱۰/۲	۸/۵۵۴
متوسط HDI	۰/۶۳۰	-	۶۹/۷	۱۱/۲	۵/۲۷۶

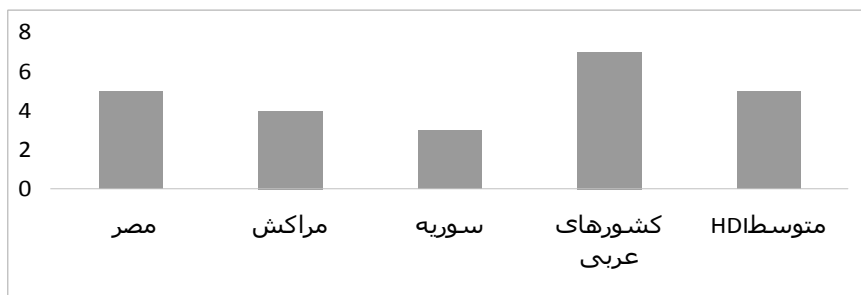
www.undp.org



نمودار ۸. ارزش HDI



نمودار ۹. امید به زندگی در هنگام تولد



محاسبات منتج از جدول

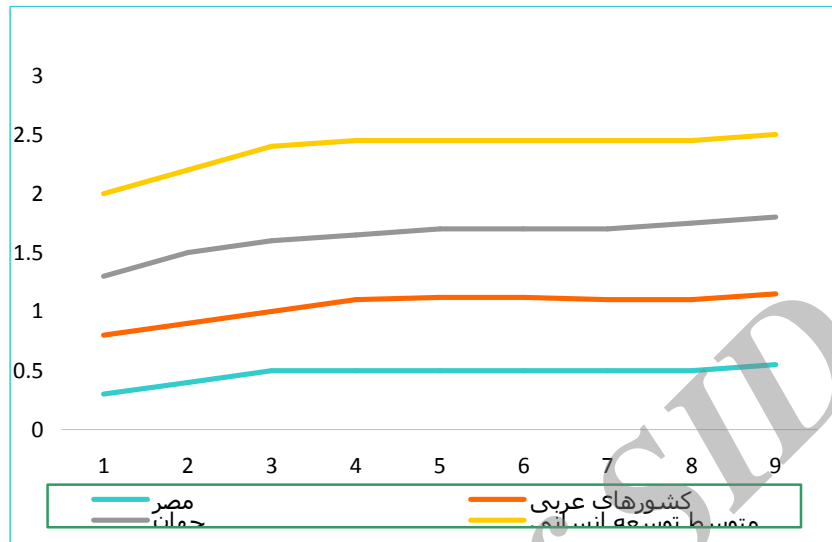
نمودار ۱۰. سرانه درآمد ناخالص

از لحاظ ارزش HDI، اگرچه آمارهای داده شده حاکی از فاصله بسیار کم این کشورها با هم است، در این مقایسه مصر جایگاه نخست را در میان کشورهای منتخب به خود اختصاص داده است. در این قسمت مراکش کمترین ارزش HDI را دارد. از لحاظ شاخص امید به زندگی، مصر در میان کشورهای منتخب با فاصله ۲.۷ در جایگاه دوم است که در مقایسه با کشورهای عربی جایگاه خوبی دارد. شاخص مورد بحث دیگر در این بخش، سرانه درآمد ناخالص است. مصر در این میان نسبت به مراکش و سوریه در جایگاه مناسبی قرار دارد به طوری که فاصله آن با مراکش ۱.۰۷۳ و با سوریه ۳.۰۲۶ است که در مقایسه با کشورهای عربی جایگاه مناسبی ندارد.

جدول ۳. شاخص توسعه انسانی (از سال ۱۹۸۰ تا به امروز)

سال	مصر	کشورهای عربی	جهان	متوسط توسعه انسانی
۱۹۸۰	۰/۴۰۶	۰/۴۴۴	۰/۵۵۸	۰/۴۲۰
۱۹۹۰	۰/۴۹۷	۰/۵۱۶	۰/۵۹۴	۰/۴۸۰
۲۰۰۰	۰/۵۸۵	۰/۵۷۸	۰/۶۳۴	۰/۵۴۸
۲۰۰۵	۰/۶۱۱	۰/۶۰۹	۰/۶۶۰	۰/۵۸۷
۲۰۰۶	۰/۶۱۸	۰/۶۱۷	۰/۶۶۴	۰/۵۹۵
۲۰۰۷	۰/۶۲۶	۰/۶۲۳	۰/۶۷۰	۰/۶۰۵
۲۰۰۸	۰/۶۳۳	۰/۶۲۹	۰/۶۷۴	۰/۶۱۲
۲۰۰۹	۰/۶۳۸	۰/۶۳۴	۰/۶۷۶	۰/۶۱۸
۲۰۱۱	۰/۶۸۲	۰/۶۴۱	۰/۶۸۲	۰/۶۳۰

www.undp.org



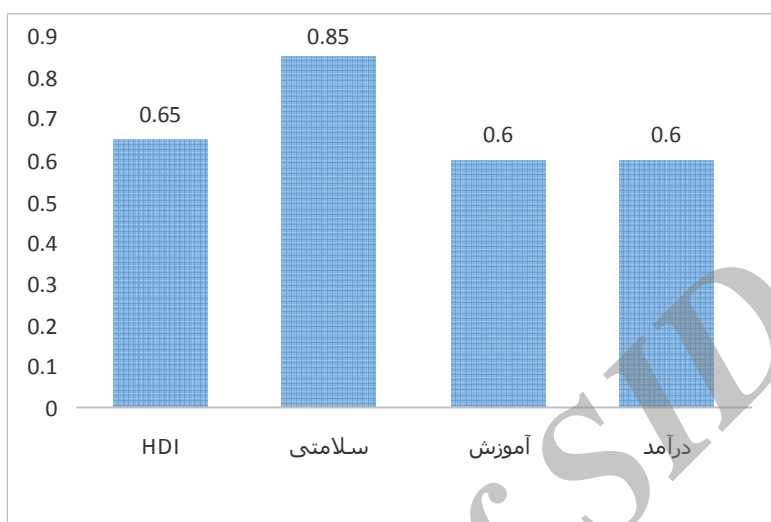
محاسبات منتج از جدول

نمودار ۱۱. شاخص توسعه انسانی (۱۹۸۰-۲۰۱۱)

سال ۲۰۰۰ را می‌توان نقطه عطفی در توسعه انسانی مصر به حساب آورد به طوری که با پرشی به اندازه ۰/۰۸۸ خود را از میان کشورهای با توسعه انسانی پایین جدا و به کشورهای با توسعه انسانی متوسط ملحق کرده است. از سال ۲۰۰۵ به بعد، اگرچه به رشد خود ادامه می‌دهد، اما این رشد بسیار آرام و تدریجی است.

کشورهای عربی نیز از سال ۱۹۹۰ خود را از کشورهای با توسعه انسانی پایین جدا کردند و به کشورهای با توسعه انسانی متوسط پیوستند. شایان ذکر است که روند رشد کشورهای عربی نیز در شاخص توسعه انسانی بسیار پایین است. با توجه به نمودارهای مصر و کشورهای عربی می‌توان دریافت با اینکه روند رشد هر دو بسیار آرام بوده، اما مصر با اندکی اختلاف گوی سبقت را از کشورهای عربی ربوده است.

نمودار جهانی نیز نشان‌دهنده شاخص توسعه انسانی متوسط است و البته در مقایسه با مصر و کشورهای عربی جایگاه بالاتری را به خود اختصاص داده است. اگرچه مصر از سال ۲۰۰۹ با شتابی بالا خود را به نمودار جهانی سال ۲۰۱۱ رسانده است، به طوری که شاخص توسعه انسانی هر دو در ۰/۶۸۲ قرار دارد.



نمودار ۱۲. شاخص توسعه انسانی مصر (۲۰۱۱)

از جمله مهم‌ترین شاخص‌های توسعه انسانی، سلامتی، آموزش و درآمد است. در این میان، سلامتی با فاصله‌ای زیاد از دیگر موارد رشد قابل توجهی را از خود نشان داده است. آموزش و درآمد نیز با فاصله بسیار کمی از هم در یک شیب قرار دارند.

نتیجه

چنان‌که اشاره شد مصر توانسته است طی دهه‌های منتهی به سده بیست و یکم به رشد اقتصادی خوبی دست یابد. اما به‌رغم این رشد، هیچ‌گاه نتوانسته است به ثبات سیاسی مناسبی دست یابد که لازمه هرگونه توسعه اقتصادی پایدار است. چالش‌های اقتصادی مصر اقتصاد سیاسی این کشور را با مشکلات متعددی روبرو ساخته است. روند فزاینده کسری بودجه مصر، کاهش پیوسته ذخایر ارزی، کاهش ارزش پول ملی این کشور در مقابل ارزهای معتبر جهان و نبود سرمایه‌گذاری‌های خارجی، آن‌گونه که انتظار می‌رود، همه و همه عوامل تأثیرگذاری هستند که روند پیشرفت اقتصاد مصر را کند کرده است. در چنین فضایی، مشکلات حساس سیاسی و اجتماعی نیز به آن افزوده شده است.

در این مقاله کوشیدیم با تمرکز بر نظریه آماریا سن به چرایی این مشکلات بپردازیم. بر اساس این نظریه، چنان‌که دیدیم، توسعه پایدار زمانی اتفاق می‌افتد که ما توسعه را بسط آزادی‌ها مد نظر قرار دهیم. آزادی‌ها نه تنها هدف توسعه، بلکه ابزار اصلی توسعه را نیز

تشکیل می‌دهند. توسعه پایدار مستلزم حذف موانع گسترش آزادی نظیر فقر، حکومت‌های سرکوب‌گر، محرومیت‌های اجتماعی و اقتصادی و... است. بنابراین، از این منظر معیار اصلی توسعه تأکید بر آزادی‌های انسانی است. در رابطه با مصر، در شرایط کنونی، شاخص‌های اقتصادی همگی هشداردهنده هستند. وضعیت صنعت گردشگری مصر که عمده درآمد کشور از آن است چندان تعریفی ندارد؛ درحالی‌که در گذشته هر سال سیزده میلیارد دلار درآمد عاید کشور می‌کرد، اما اکنون درآمد ناشی از آن بیشتر از هشت میلیارد و هشتصد میلیون دلار نیست. وضعیت بیکاری هم اسفبار است؛ به‌گونه‌ای که نرخ بیکاری در بین جمعیت فعال کشور از نه درصد به سیزده درصد رسیده است. ذخیره ارزی نیز وضع بسامانی ندارد. بر اساس اعلام خود بانک مرکزی مصر، ذخایر ارزی این کشور طی دو سال گذشته از سی‌وشش میلیارد دلار به پانزده میلیارد دلار کاهش یافته است. به لحاظ نظری، این میزان ذخیره ارزی کفاف سه ماه واردات کالا و ارزاق مورد نیاز مردم را می‌دهد و این خود نشان می‌دهد که سطح ذخایر ارزی کشور تا چه اندازه بحرانی است. مصر از نظر بودجه نیز با مشکل جدی مواجه است. مؤسسه اعتبارسنجی مالی فیچ در گزارشی که به تازگی درباره اصلاح سازوکار نرخ ارز در مصر منتشر کرده است، در این باره خاطر نشان کرد اگر اقتصاد مصر بخواهد حرکت کند و اعتماد سرمایه‌داران برای سرمایه‌گذاری در این کشور را بازگرداند، ضروری است که قاهره درباره دریافت وام از این نهاد مالی (صندوق بین‌المللی پول) با آن به توافق برسد. اختصاص وام صندوق بین‌المللی پول به مبلغ ۴.۸ میلیارد دلار به مصر به تعویق افتاد. مدیر صندوق بین‌المللی پول به قاهره هشدار داده است که برنامه اصلاحات اقتصادی آماده‌شده جوابگوی تقاضای مورد نیاز نیست. رزروهای ارزی دولت مصر به میزان ۱۳.۵ میلیارد دلار پایین رفته و این شاخص پایین‌تر از استاندارد جهانی است (www.persoan.ruvr.ru).

به نظر می‌رسد که مصر برای مقابله با این مشکلات و حل بحران مشروعیت سیاسی خود باید همزمان به دو نکته اساسی توجه داشته باشد: نخست آنکه مصر به تزریق زیاد پول در کوتاه‌مدت نیازی ندارد، به‌طوری‌که تزریق زیاد پول در کوتاه‌مدت می‌تواند شوک اقتصادی شدیدی در جهت عکس پیشرفت ایجاد کند. تزریق بی‌سابقه و بی‌برنامه پول در کوتاه‌مدت می‌تواند سبب افزایش نقدینگی و ایجاد تورم شود. توجه به این نکته حائز اهمیت است که تورم در اکثر شرایط فقیر را فقیرتر و غنی را غنی‌تر می‌کند. دوم آنکه جامعه بین‌الملل برای بیرون کشیدن مصر از منجلاب وضع موجود، به جای تلاش‌های کوتاه‌مدت، بی‌برنامه و ناهماهنگ باید به فکر اقدامی جامع و طولانی‌مدت باشد. چنین اقدامی باید بر پایه سرمایه‌گذاری خصوصی و تمرکز بر شرایط آزاد تجاری ایجاد شود.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. آمارتیاسن (۱۳۸۱)، توسعه به مثابه آزادی، حسین راغفر، انتشارات کویر، چاپ اول.
۲. جرالدم. مایر (۱۳۷۵)، از اقتصاد کلاسیک تا اقتصاد توسعه، غلامرضا آزاد ارمکی، نشر میترا، چاپ اول.
۳. آمارتیاسن (۱۳۷۹)، آزادی و برابری، حسن فشارکی، نشر شیرازه، چاپ اول.

ب) خارجی

4. Christian, E. (2004), "Poor People, Free Trade and Trade Justice", from <http://www.Elsiver/Eldis/Poverty.com>.
5. Egypt in Transition: The Current Economic Situation and the Role of International Assistance Uri Dadush, Marina Ottaway, Michele Dunne, Jeffrey Gedmin July 22nd 2011, Carnegie Endowment for International Peace.
6. Khaledi, K. and Parmeh, Z. (2005), "Review of Poverty in Urban and Rural Areas of Iran (96-2005), Journal of Agricultural Economics and Development", 49.
7. L. Craig Harris (1988), (ed.), Egypt: Internal Challenges and Regional Stability, London: Routledge & Kegan Paul.
8. Townsend, Peter (1979), "Poverty in the united Kingdom", London: Penguin.
9. World Bank (2002), "World Development Report on Poverty (2001-2000)" Management and Planning Organization of Iran.

- اینترنتی

10. www.undp.org
11. <http://www.worldbank.org>
12. www.imf.org
13. <http://fa.tradingeconomics.com>
14. www.eghtesadonline.com
15. www.monitoreconomy.com
16. www.eghtesadpress.ir
17. <http://fa.tradingeconomics.com>
18. <http://www.csr.ir>
19. www.persoan.ruvr.ru